

مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی

امید قادرزاده^۱، سارا خزایی^{۲*}

چکیده

این پژوهش درصدد است از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به کشف و بررسی دلالت‌های ذهنی و معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی شهر بپردازد. داده‌های این مطالعه کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری و از روش نظریه مبنایی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. به کمک روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند با ۲۷ نفر از زنان مصاحبه شد و در نهایت داده‌های گردآوری‌شده در قالب ۱۰ مقوله محوری و یک مقوله هسته، کدگذاری و تحلیل شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که آزار جنسی، ترس از بدنامی، و جامعه‌پذیری جنسیتی به منزله شرایط علی احساس ناامنی زنان را در فضاهای عمومی به‌دنبال دارد. در این میان، کدگذاری جنسیتی فضا به منزله زمینه و شیء‌وارگی بدن زنانه به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. بازسازی معنایی تجربه و درک زنان از احساس ناامنی در فضاهای عمومی بیانگر آن است که مشارکت‌کنندگان با قرارگرفتن در شرایط یادشده به استراتژی‌های کتمان و گریز توسل می‌جویند. براساس مطالعه حاضر، تجربه ناامنی در فضاهای عمومی، بی‌اعتمادی، نهادینه‌شدن ترس، و انزوای اجتماعی را در پی داشته است.

کلیدواژگان

احساس ناامنی، جامعه‌پذیری جنسیتی، زنان، فضای عمومی، نظریه مبنایی.

۱. o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

۲. khazaie.sara@yahoo.com

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱

مقدمه و طرح مسئله

امنیت یعنی فقدان عوامل تهدیدکننده هویت، ارزش‌ها، حقوق، و آزادی فردی و احساس امنیت به معنای فقدان احساس درونی ترس از تهدید ارزش‌های مورد قبول است [۳۵]. احساس امنیت مربوط به بعد ذهنی است، اما با بعد عینی آن نیز ارتباط دارد. رابطه بعد عینی و ذهنی امنیت را می‌توان این‌گونه بیان کرد که کنشگران در انجام‌دادن کنش با مراجعه به ذهنیت فردی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و اجرای کنش می‌پردازند [۱۸]. پیر بوردیو هم اعتقاد دارد، در یک‌سو ساختارهای عینی قرار می‌گیرند که مبنای صورت‌های ذهنی را تشکیل می‌دهند و الزام‌های ساختاری را که بر کنش‌های متقابل وارد می‌شوند تعیین می‌کنند و از سوی دیگر اگر کسی خواسته باشد به بررسی تلاش‌های روزانه فردی و جمعی بپردازد، که در جهت تغییر یا حفظ این ساختارها عمل کند، باید این صورت‌های ذهنی را در نظر بگیرد [۱۲، ص ۷۱۶]. پژوهش حاضر به دنبال کندوکاو احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی است؛ یعنی بُعد ذهنی امنیت که عمدتاً ناظر بر درک و آگاهی زنان از زمینه‌ها و بسترهای ناامنی و تفاسیر و تجارب زیسته آنان از حضور در عرصه‌های عمومی است. فضاهای عمومی صحنه نمایش زندگی روزمره است و در تقابل با زندگی خصوصی تعریف می‌شود. اهمیت فضای عمومی به دلیل نقشی است که در توسعه جامعه دموکراتیک بازی می‌کند. عرصه عمومی مطابق با دیدگاه‌های هابرماس و آرنت، با مفهوم دسترسی‌پذیری بی قید و شرط برای همگان و میدانی برای مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و تعاملات برای ابراز و اعاده هویت و تحرک بیشتر افراد تعریف می‌شود [۲۶]. بنابراین، امنیت در این فضاها لازمه هر فردی است. اما جنسیت به‌مثابه امری اجتماعی- فرهنگی در درک امنیت عاملی محوری محسوب می‌شود. زنان به دلیل موقعیت فرودستی که در اغلب جوامع نسبت به سایر گروه‌بندی‌های اجتماعی داشته‌اند و نیز به دلیل غلبه مردان بر گفتمان‌های علمی و نیز تابوهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی که جنس مؤنث و مسائل پیرامونی‌اش را احاطه کرده است، کمتر توانسته‌اند از موقعیت ویژه خود سخن بگویند. تأثیرپذیری جامعه ایران از فرایندهای فکری، اقتصادی، و اجتماعی مدرن، موقعیت و جایگاه اقتصادی و گستره و میدان تعاملات اجتماعی زنان را دستخوش تغییرات اساسی کرده است. رشد فزاینده حضور زنان در دانشگاه‌ها، اشتغال، استفاده زیاد زنان از مراکز خرید، پارک‌ها، معابر، حمل‌ونقل عمومی بیانگر استفاده آنان از حوزه عمومی است؛ درحالی‌که همه این مکان‌ها موقعیت‌هایی هستند که برای جرم‌یابی و هتک حرمت آسیب‌پذیرند [۹]. مثلاً نگاه‌های آلوده، متلک‌ها و الفاظ رکیک، احساس خطر و ترس زنان برای رفت‌وآمد در سطح شهر، جایگاه حاشیه‌ای زنان در مکان‌های عمومی، زمان‌مند بودن حضور در فضاهای عمومی (تاریکی هوا به‌مثابه نماد پایان حضور زنان در عرصه‌های عمومی) از جمله مواردی‌اند که احساس ناامنی زنان را با خود همراه دارند. اما آنچه بر پیچیدگی مسئله و دوام آن افزوده است،

سکوت زنان در برابر آزارها و مزاحمت، به دلیل شرم، ترس از سرزنش، و عدم حمایت نهادهای اجتماعی است [۱۵]. شهر نهبوند، به‌منزله بخشی از جامعه ایران، از این قاعده مستثنا نیست. پژوهش حاضر درصدد است تفاسیر و دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی نهبوند را کنکاش و بررسی کند. این مورد از طریق پاسخگویی به پرسش‌های ذیل ممکن است: شرایط و بسترهای معانی ذهنی شکل گرفته از احساس ناامنی در زنان چیست؟ درک و ارزیابی زنان از احساس ناامنی خود با حضور در فضاهای عمومی چگونه است و با آن چگونه برخورد می‌کنند؟ پیامدهای این احساس ناامنی در زنان چیست؟

مروری بر ادبیات تجربی

در میان تجارب زنانه، بخشی که بیش‌تر مغفول مانده است، آن بخشی است که به تجربه‌های زن در فضاهای عمومی و احساس ناامنی ناشی از حضور در این فضاها مربوط است [۲]. در اکثر مطالعات تجربی موجود، میزان امنیت یا ناامنی زنان و عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است [۴؛ ۷؛ ۱۰؛ ۱۱؛ ۲۳؛ ۳۰]. در این دسته از مطالعات به ارتباط و پیوستگی عواملی مثل، میزان بروز جرایم، در معرض جرم واقع شدن [۱۹؛ ۲۶]، انتظار از پلیس، تأمین و رفاه اجتماعی، پرداخت رسانه‌ای، سرمایه اجتماعی و فضای شهری [۴؛ ۷؛ ۳۰]، محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایداری مذهبی [۱۰؛ ۷؛ ۱۱]، هویت و اعتماد فردی [۲۸]، کنترل و نظارت فضایی، برنامه‌ریزی شهری [۵؛ ۶؛ ۹؛ ۱۷؛ ۱۸]، و عوامل شخصی مانند سن، تحصیلات و مهاجرت [۱۰؛ ۱۷؛ ۳۰] بر احساس ناامنی زنان مطالعه شده است. نکته درخور توجه این است که در مطالعات پیمایشی اشاره شده با اتخاذ موضع بیرونی از فرایندهای معنایی، تکوین، و تغییر فضاهای عمومی غافل مانده‌اند. در این دسته از مطالعات، بسترها، زمینه‌ها، و شرایط اجتماعی مؤثر بر احساس ترس و ناامنی زنان در فضاهای عمومی، همچنین استراتژی‌ها و پیامدهای آن از رویکردی اتیک و تجربه‌محور از دیدگاه خود زنان و تجربه‌زیسته آن‌ها بررسی نشده است. بیشتر از دید برنامه‌ریزی شهری و فضایی و کالبدی به امنیت در فضاهای عمومی توجه شده است و تقریباً در همه تحقیقات انجام شده نگاه کنترلی و نظارتی به امنیت غالب است. ابادری، صادقی فسایی، و حمیدی (۱۳۸۷) در مطالعه کیفی «احساس ناامنی از تجربه زنانه در زندگی روزمره» به احساس ناامنی حاصل از زندگی در فضاهای شهری پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از مصاحبه عمیق با ۴۰ نفر از زنان، مؤید مسئله احساس ناامنی و هراس از مورد تجاوز واقع شدن در فضای اجتماعی شهر دارد که بر مبنای آن یک تیپولوژی پنج‌گانه از هراس‌های زنانه و نحوه عملکرد و اندیشیدن زنان به این موضوع ارائه شده است. صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۸۸) در پژوهش دیگری به مطالعه کیفی «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران» که با استفاده از مصاحبه‌های عمیق

با ۵۰ زن ۱۹ تا ۵۵ ساله صورت گرفته است، پرداخته و نشان داده‌اند که چگونه ترس زنان از جرم به شکل تردهای فضایی و اجتماعی تحقق می‌یابد. همچنین، یافته‌ها مؤید آن است که نوع جامعه‌پذیری، تجربه خشونت، ترس از تجاوز جنسی، معماری و طراحی مردانه شهرها، عدم حمایت‌های قانونی، ترس از برجسب خوردن، و عوامل دیگری چون مهاجرت، بارداری، غریبگی، بیماری، و معلولیت علل اصلی ترس زنان از جرم است. صادقی فسایی و لاریجانی (۱۳۹۲) در مطالعه کیفی «آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی» با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با زنان شاغل در شهر تهران پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج تحقیق، قربانیان آزار جنسی عمدتاً زنان جوان و تحت سلطه‌ای بودند که از سوی رؤسا و مردان دارای قدرت و منزلت بالاتر مورد آزار جنسی واقع شده‌اند. از منظر نویسندگان، حضور پلیس زن و حمایت از زنان شاغل و اصلاح رویه‌های شکایت‌های قانونی گام‌های مهمی برای کاهش آزار جنسی در محیط کار محسوب می‌شود.

مروری بر ادبیات نظری

جامعه‌شناسی تا نیمه دوم قرن بیستم در تحلیل مسائل و پدیده‌های اجتماعی کمتر به عامل جنسیت توجه کرد. ولی با رشد جنبش‌های فمینیستی، به‌ویژه در سال‌های ۱۹۷۰ به بعد، و کمک به ایجاد تمایز بین تفاوت‌های طبیعی و نابرابری‌های جنسیتی مبنای نظری قابل توجهی در ارتباط با مسائل زنان پدید آمد [۲۰، ص ۲]. رویکردهای نظری مرتبط با مسائل زنان (از جمله احساس ترس و ناامنی در فضاهای عمومی) را می‌توان ذیل رویکردهای فمینیستی و فضایی-محیطی دسته‌بندی کرد. دسته اول، معتقدند که ترس و احساس ناامنی اغلب بر مناسبات جنسیتی قدرت و اسطوره‌هایی درباره امنیت زنان در جامعه و مکان‌های عمومی مبتنی است [۳۱]. نظریه‌های فمینیستی به دنبال توصیف و ارزیابی انتقادی جهان از چشم‌انداز موقعیت‌ها و تجربه‌های زنان در جامعه است. در دیدگاه‌ها و جریان‌های فمینیستی، هویت و جنسیت زنان امری تاریخی و زمینه‌ای قلمداد می‌شود و نه امری پیشینی. داینا فاس بر این باور است که جنسیت و هویت زنان محصول ترتیبات اجتماعی و فرهنگی است [۳۳، ص ۳۴]. از منظر فمینیست‌های لیبرال، جنسیت و تصویری که زنان از خود دارند، به‌منزله مؤلفه‌ای از ساختار اجتماعی، نتیجه جامعه‌پذیری و همگون‌سازی «جنس و نقش» است. این اختلاف اساسی در جامعه‌پذیری برای نقش‌های جنسیتی از ابتدا حوزه فعالیت اجتماعی زنان و مردان را جدا و هریک را برای حوزه خاصی تربیت می‌کند. همین مسئله از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی زنان جلوگیری و زمینه‌ساز جایگاه فرودست زنان در جامعه می‌شود [۱، ص ۲۸]. جسی برنارد در چارچوب فمینیسم لیبرال و در ذیل مفهوم «نابرابری جنسیتی»، بر این باور است نه‌تنها مردان و زنان به طرز متفاوت، بلکه به‌طور نابرابر نیز در جامعه جای گرفته‌اند.

فمینیست‌های لیبرال بر حضور فراگیر ایدئولوژی جنسیت و تبعیض جنسی در زندگی روزمره تأکید می‌کنند که در نتیجه آن کل جهان به قلمروهای عمومی / خصوصی و جنسیت‌یافته تقسیم می‌شود [۱۳، ص ۳۴۲]. در چارچوب این رویکرد می‌توان گفت که جداسازی زنان از اجتماع و همچنین فرودستی آنان بر احساس ناامنی آنان می‌افزاید.

در رویکردهای فضایی- محیطی، به دنبال مفهوم‌سازی رابطه میان ساخت اجتماعی، هویت جنسی، مناسبات مبتنی بر قدرت در فضا، و ترس و احساس ناامنی هستند. از نظر تانکیس عمومی‌ترین نوع ترس زنان از جرم، ترس خاص آنان از تجاوز جنسی و حمله به قصد عمل جنسی و انواع دیگری از رفتارهای احتمالی ناخوشایند است [۸، ص ۱۶۱]. کاسکلا ترس زنان را بازتابی از ساختارهای قدرت جنسیتی جامعه می‌داند و ترس از جنایت را صرفاً ناشی از جرم نمی‌داند، بلکه آن را نشانه‌ای از مناسبات قدرت تلقی می‌کند [۳۴، ص ۲۹]. کارپ، استن، و یولز ماهیت جنسی‌شده فضای شهری را در نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک‌پذیری زنان می‌دانند و به لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری ارتباط دارد [۲۷، ص ۱۲۶]. از نظر پین، پیامدهای ترس زنان از جرایم خشونت‌بر رفتار آن‌ها در فضا نه تنها ساختار روابط جنسیتی را منعکس می‌کند، بلکه آن‌ها را نیز تقویت می‌کند [۳۶، ص ۲۳۶].

روش تحقیق

هدف پژوهش حاضر کشف و بررسی دلالت‌های ذهنی و معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی است. بنابراین، روش‌شناسی عمده این پژوهش، کیفی بوده و از روش نظریه‌مبنایی برای اجرای عملیات تحقیق و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، از دو روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ برای گزینش افراد مصاحبه‌شده و از نمونه‌گیری نظری^۲ برای تشخیص تعداد افراد، تعیین داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است. استراتژی گردآوری داده‌ها به دلیل حساسیت موضوع تحقیق، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر نهاوند است که از تجربه حضور در فضاهای عمومی برخوردار بودند. به لحاظ توزیع مکانی، افراد مصاحبه‌شده در میدان‌های امام، ابوذر، مادر، و خیابان‌های دکتر حسابی و شریعتی انتخاب و در نزدیک‌ترین بوستان به محل زندگی مصاحبه‌شوندگان، پس از انجام دادن فرایند آشنایی و اعتمادسازی، مصاحبه به عمل آمد.

-
1. purposive sampling
 2. theoretical sampling

در این تحقیق، نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان یافت که اشباع داده یک مقوله یا گروهی از موارد حاصل شد؛ یعنی دیگر چیز جدیدی کشف نشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با ۲۷ مورد مصاحبه به اشباع داده رسیده است. پس از بررسی مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی انجام شد. طبق مدل نظریه مبنایی، داده‌هایی که نشانه‌ای از حوادث، وقایع، و اتفاقات منجر به وقوع یا گسترش احساس ناامنی داشت، تحت شرایط مقدم قرار گرفت و عکس‌العمل‌ها و نتیجه کنش برای فرد به منزله تأثیرات و پیامدهای احساس ناامنی مشخص شد [۳]. در این پژوهش، برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد، از دو تکنیک بهره گرفته شد. از طریق تکنیک اعتباریابی توسط اعضا^۱، از برخی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی و درباره صحت آن نظر بدهند. همچنین، با استفاده از تکنیک ممیزی^۲، دو صاحب‌نظر در روش نظریه مبنایی، در مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی، و استخراج مقوله‌ها نظارت داشتند.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

میدان مطالعه‌شده این پژوهش شامل ۲۷ نمونه از زنان شهر نهاوند است که تجربه حضور و استفاده از فضاهای عمومی (خیابان‌ها، پارک‌ها، محل کار، فروشگاه‌ها، و مراکز خرید) را دارند. از این تعداد، ۱۸ نفر مجرد، ۷ نفر متأهل و به لحاظ سن جمعیت نمونه بین ۱۸ تا ۳۵ قرار دارد. از نظر سطح سواد، ۵۵ درصد لیسانس، ۱۸ درصد فوق لیسانس، ۱۲ درصد دیپلم، و ۱۵ درصد زیر دیپلم بودند. از نظر وضع فعالیت، ۴۱ درصد دانشجو، ۱۸ درصد شاغل، ۲۹ درصد بی‌کار، و ۱۲ درصد خانه‌دار بودند.

داده‌ها و یافته‌ها

در این بخش، نتایج تحلیل داده‌ها براساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارائه می‌شود. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل خرد و سطر به سطر صورت گرفت. پس از انتزاع مفاهیم از گزاره‌ها، آن‌ها با یکدیگر مقایسه و مفاهیم مرتبط با عنوان یک مفهوم کلی‌تر به نام مقوله یک‌پارچه شدند. با یک‌پارچه کردن، مقایسه، و تعمق پیرامون این مقولات، یک مقوله هسته به نام «احساس ناامنی به‌مثابه باز نمود روابط قدرت جنسیتی» حاصل شد. جدول ۱، نتایج تحلیل داده‌ها را در مراحل سه‌گانه کدگذاری نشان می‌دهد.

1. member check
2. auditing

جدول ۱. نتایج مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری، و انتخابی

نوع مقوله	مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله هسته
شرایط علی	آزار کلامی، نگاه آلوده، متلک، شکستن حریم، انگولک، پارازیت‌های جنسی، تعرض جنسی، حضور مردان	آزار جنسی	احساس ناامنی زنان به‌منابۀ بازنمود روابط قدرت جنسی
	ننگ، بی‌ابرویی، بدنامی	ترس از بدنامی	
خودنگه‌دار، عقیف، با‌برو، پاکدامن، باحجاب، محدودیت زنان، مفعولیت زنان، مظلوم، محکوم، آزادی مردان، گستاخی مردان، عاطفی، احساسی، تبعیض، آموزش ترس، القا ترس	جامعه‌پذیری جنسیتی		
شرایط مداخله‌گر	ابزاری شدن بدن، بدحجابی، تن‌فروشی زنان، آرایش، عرضه خود	شی‌واره‌شدن بدن زنانه	
زمینه‌ها	نظارت چشم‌ها، پیاده‌روها، مکان‌های بدنام، فضای مردانه، تاریکی، حمل‌ونقل عمومی، مکان خلوت، ناآشنا، غریبه	کدگذاری جنسیتی فضا	
استراتژی‌ها	پنهان‌کاری، مخفی کردن، بازگو نکردن، سکوت	کتمان	
	فرار، عدم مقاومت، خودخوری، بی‌دفاعی، اجتناب	گریز	
پیامدها	بدبینی، سوءظن، تنفر از مردان، حس انتقام	بی‌اعتمادی	
	احساس گناه، آشفتگی، احساس مرگ، تحقیر نفس	باور ترس	
	ننگ، انزوا، طرد، انفعال، احساس وابستگی، محدودیت	انزوای اجتماعی	

بسترها و زمینه‌های احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی

۱. آزار جنسی^۱

آزار جنسی طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود و می‌تواند اشکال متنوعی به خود بگیرد. هر نوع نگاه، لفظ، و تقاضای ایجاد رابطه که به نوعی مضمون جنسی داشته باشد و بدون رضایت زنان بر آن‌ها تحمیل شود و آن‌ها را در وضعیت حقارت، مرعوب‌شدن، تهدید، آزار، و شی‌ءوارگی قرار دهد می‌تواند آزار جنسی تلقی شود [۱۶]. مسئله‌ای که بیش از هر چیز باعث احساس ناامنی در فضاهای عمومی شده است، هتک حرمت و آزار جنسی است که به شکل خشونت‌آمیز نظیر تعرض جنسی و به شکل غیر خشونت‌آمیز مثل تنه‌زدن در خیابان، متلک‌ها، و

1. harassment sexual

الفاظ رکبیک، تعقیب زنان از سوی مردان در کوچه‌های خلوت، نگاه‌های شهوت‌آلود، مشاهده مردان عورت‌نما بروز می‌کند. فاطمه^۱ ۲۵ ساله، مجرد و کارشناس ارشد مدیریت در این خصوص چنین می‌گوید:

بله خیلی وقت‌ها بوده یه مرد تا جایی که خواستم برم تعقیبم کرده، تیکه انداختن و خیره‌شدن که برام عادت شده. خیلی از مردها از کنارشون که رد می‌شی تیکه نندازن نمی‌شه.

مرضیه ۲۴ ساله، مجرد و دانشجوی کارشناسی حقوق نیز در این زمینه می‌گوید:

از دزدیده شدن توسط ماشین‌های شخصی، به خصوص وقتی هوا تاریک می‌شه، خیلی می‌ترسم. این رو زیاد از دوستانم شنیدم یا اینکه توی فیلم‌ها دیدم.

مریم ۱۸ ساله، با تحصیلات زیر دیپلم و مجرد می‌گوید:

توی راه مدرسه تا خونه خیلی اذیت شدم. موتوری‌ها که یهویی با سرعت شدید از کنارت رد می‌شن و پارازیت می‌ندازن.

کاسکلا ترس زنان را بازتابی از ساختارهای قدرت جنسیتی جامعه بزرگ‌تر می‌داند و ترس از جنایت را صرفاً ناشی از جرم نمی‌داند، بلکه آن را نشانه‌ای از مناسبات قدرتی که زنان در آن قرار گرفته‌اند تلقی می‌کند [۳۴]. زنان خود نیز از این ترس، که در طول روز با آن‌ها همراه است، آگاه نیستند و احساس ناخوشایندی دارند. آن‌ها با این ترس به دنیا نیامده‌اند، اما برای آن‌ها همگانی و هنجار شده است که اگر برای مثال در شب بیرون بروند، قربانی حمله خواهند شد. البته خانواده‌ها، هم‌نوعانشان، و رسانه‌ها نیز این نوع ترس را زنده می‌کنند و زنان هم آن را قبول می‌کنند. از یک جهت می‌توان گفت همه زنان قربانیان تجاوز جنسی‌اند؛ حتی زنانی که مورد تجاوز قرار نگرفته‌اند اغلب دچار اضطراباتی مشابه زنانی هستند که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. تجاوز جنسی جزئی از یک نظام تهدید مردانه است که همه زنان را در ترس و وحشت نگه می‌دارد [۲۳، ص ۲۰۴].

۲. ترس از بدنامی

داغ ننگ اشاره به ویژگی یا صفتی دارد که بدنام‌کننده یا ننگ‌آور است. قدرت داغ زنی یک صفت نه در ذات خویش بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد [۲۲، ص ۱۸-۱۹]. «تنها ترس از تجاوز نیست که زنان را تهدید می‌کند و موجب احساس ناامنی آن‌ها می‌شود، بلکه میزان‌های متفاوتی از ننگ، بدنامی، مقصر دانسته‌شدن، نیز بر پیچیدگی و ابعاد مسئله‌زای تجاوز می‌افزاید.

۱. اسامی مصاحبه‌شوندگان غیرواقعی است.

گروه‌های اجتماعی مختلفی از زنان در نقاط مختلف دنیا هستند که در چنین موقعیتی زن مورد تهدید را مقصودتر از مرد تهدیدکننده می‌دانند [۲، ص ۸۷]. فهیمه ۲۳ ساله، مجرد، دیپلمه و بیکار می‌گوید:

فکر می‌کنم هرچقدر محیط آشناتر باشه و کوچک‌تر باشه ترس بیشتره چون همش زیر نظری و چارچشمی تو رو نگاه می‌کنن که برن پشت سرت حرف بزنین، ولی توی شهرهای بزرگ این‌طور نیست.

الهام ۲۷ ساله، متأهل با تحصیلات زیردیپلم و بی‌کار نیز در این زمینه می‌گوید:

آبرو برای زن خیلی مهمه. باید مواظب باشه نریزه. عرف، خانواده، دین و مذهب به ما می‌گن زنان باید باحیا باشن و مراقب آبروشون باشن. زن باید حافظ آبروی مرد و خانواده‌اش باشه.

بنابراین آنچه گفته شد، زنان از اینکه مورد تعرض جانی و مالی قرار بگیرند نمی‌ترسند، بلکه از اینکه انگشت اتهام به سمت آنان باشد در هراس‌اند. این هراس مؤید عدم پذیرش اجتماعی زن تجاوززیده به‌منزله قربانی و عدم حمایت‌های خانوادگی، اجتماعی، و قضایی است که خود در تشدید هراس زنان از بدنامی مؤثر است [۲۴، ص ۳۳۳].

۳. جامعه‌پذیری جنسیتی^۱

جنسیت شامل انتظارات، کنش‌ها، و نقش‌هایی است که جامعه از زن به‌عنوان زن و از مرد به‌عنوان مرد انتظار دارد؛ از این‌رو درباره نقش‌های جنسیتی هر دو جنس، افکار قالبی در جامعه دیده می‌شود که دامنه رفتار و انتظارات را در هر دو طرح‌ریزی می‌کند [۲۹، ص ۲۱۰]. طبق الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی، که در آن مردانگی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده‌اند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای عمومی حضور و اشتغال دارند [۱، ص ۱۲۸]. زهرا ۲۲ ساله، مجرد و دانشجوی حقوق در پاسخ به اینکه بسترها و زمینه‌های احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی چیست؟ چنین می‌گوید:

خانواده به ما یاد داده محتاط باشیم، مراقب باشیم. مثلاً بیرون که می‌ریم با صدای بلند نخندیم، سر به‌زیر باشیم. جای خاصی نریم، زود برگریم خونه.

جامعه‌پذیری جنسیتی با محدود کردن نقش‌های جنسیتی دختران نه‌تنها باعث پذیرش جنس دوم بودن دختران می‌شود، بلکه با محدود کردن خلاقیت‌ها، عرصه‌ها، و ابعاد زندگی عملاً

شکل‌گیری شخصیت دختران را مطابق با الگوی مورد نظر طراحی می‌کند [۳۲]. مرضیه ۲۷ ساله مجرد و کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، نیز در این زمینه می‌گوید:

از بچگی بهمون القا کردن زن جنس آسیب‌پذیره. نباید با هرکسی حشرونشر کنه. هرجایی بره. زن باید خودنگه‌دار، با شرم و حیا، آبرودار خانواده باشه.

آن‌چه در اظهارات زنان مصاحبه‌شده نمود درخور توجهی پیدا کرده است، القای ترس در آن‌هاست که باید مراقب باشند، تا تاریک نشده به خانه برگردند، مکان‌های خلوت و مردانه نروند. همچنین، تعریف آن‌ها با ویژگی‌هایی چون عفیف، سربه‌زیر، و آبرودار باعث شده که زنان با این باورها خود را بشناسند، آن‌ها را برای خود ارزش بدانند و ترس از دست دادن این ارزش‌هاست که احساس ناامن بودن فضاهای عمومی را تشدید می‌کند.

۴. شی‌ءوارگی بدن زنانه

«شی‌ءوارگی بدن زنانه نشان از دگردیسی هنجارهای زیبایی، ازدواج، و همین‌طور جنسیتی‌شدن زیبایی و برجسته‌شدن نقش بدن در زندگی روزمره دارد [۲۱، ص ۷]». بت‌سازی مستمر بدن در رسانه‌های ارتباطی و زندگی روزمره موجب شده زنان نه‌تنها در خلوت، بلکه در عرصه عمومی نیز به نمایش بدن و ابراز خود بپردازند. نسرین، ۲۶ ساله، مجرد و دانشجوی علوم تربیتی در این خصوص می‌گوید:

جامعه به مرد ارزش داده و مرد هم به بدن زن و زن هم به دنبال اجرای این ارزش‌هاست. زن در جامعه ما ابزار و عروسک تعریف شده و به راحتی خودش رو به قیمت‌های مختلف می‌فروشه.

زنان با نحوه مدیریت بدن و نمایش خود در عرصه‌های عمومی به نوعی زمینه تعرض و مورد آزار قرار گرفتن خود را تشدید می‌کنند. این مسئله به نوعی مؤید مفهوم خشونت نمادین بورديو است. این شکل آرام خشونت است، زیرا عاملی که این خشونت ضد آن اعمال می‌شود به نوعی در عمل او سهیم است. خشونت نمادین به‌طور غیرمستقیم تا حد زیادی از طریق سازوکارهای فرهنگی اعمال می‌شود [۱۳، ص ۳۱۷]. به بیان دیگر، زبان یا معانی نظام نمادین مردسالاری بر بقیه زنان تحمیل می‌شود. مریم، ۲۴ ساله، مجرد، و با تحصیلات دیپلم و بی‌کار درباره نقش زنان در احساس ناامنی خود چنین می‌گوید:

زنان خیلی در ناامنی خود در جامعه دخیل‌اند. آرایش‌های غلیظ، لباس‌های نامناسب، خیلی بدحجاب بیرون می‌رن، که باعث نگاه‌های بد مردان و آزار و اذیت اون‌ها می‌شه.

۵. کدگذاری جنسیتی فضا

فضا از طریق روابط جنسیتی و روابط قدرت به صورت اجتماعی و فرهنگی تولید و بازتولید می‌شود و به نابرابری جنسیتی منجر می‌شود. نمود این نابرابری در ابعاد مختلفی مثل فرم، نوع مناطق مسکونی، شبکه‌های حمل‌ونقل، فضای باز عمومی، ایجاد عملکردهای جنسیتی به گونه‌ای که فقط مردان می‌توانند نگاه کنند و زنان به‌منزله اهداف استفاده بصری مورد تماشا قرار می‌گیرند [۳۷، ص ۱۰۵]، تمایز شهر از خانه، عمومی از خصوصی، تولید از بازتولید و مردان از زنان، قابل مشاهده است [۱۸]. به باور اغلب مصاحبه‌شوندگان، تفکیک فضا به عمومی و خصوصی زمینه ترس و ناامنی در فضاهای عمومی را مهیا کرده است. سحر ۲۶ ساله، متأهل، دیپلم و خانه‌دار در این مورد می‌گوید:

همیشه این بوده که خونه، به‌خصوص آشپزخونه، جای زن‌هاست، بیرون از خونه جای مردهاست. مردها در این فضاها آزادند، به‌راحتی زل می‌زنن، تیکه می‌ندازن.

مرضیه، ۲۰ ساله، مجرد، دیپلم و فروشنده بر محدودیت زمانی- مکانی زنان، به‌خصوص تاریکی به‌منزله یکی از زمینه‌های ترس و ناامنی اشاره می‌کند:

مادرم همیشه بهم توصیه می‌کنه تا شب نشده به خونه برگرد. برای یه دختر عیبیه که تا شب بیرون باشه. مردم می‌گن بین تا الان کجا بوده.

تجارب شخصی زنان مصاحبه‌شده گویای مردانه‌بودن فضاهای عمومی است. فاطمه ۲۴ ساله، دانشجوی حقوق و مجرد می‌گوید:

شهر توی جامعه ما چهره مردونه داره؛ مثلاً خیابون‌ها، حمل‌ونقل و تردد عمومی و بیشتر سرنشینان ماشین‌ها مردن. زنان در این مکان‌ها بیشترین احساس ترس رو دارن. فکر می‌کنن با این محیط بیگانه‌ان.

تجربه و درک از احساس ناامنی

بخش پیشین معطوف به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی بود که نقش سائق یا تعیین‌بخش کنش عاملان را برعهده داشت. بخش حاضر به دنبال ارائه توصیفی ژرف از راهبردها یا استراتژی‌ها توسط کنشگرانی است که تجربه ناامنی در فضاهای عمومی داشته‌اند.

۱. کتمان (پنهانکاری)

زنان تعرض و آزارهای جنسی را زننده و توهین‌آمیز، برآشوبنده و هراس‌انگیز می‌دانند. واکنش زنان به آزار در فضای عمومی از سکوت و چشم به سوی دیگر برگرداندن تا خشم آشکار و مقاومت

تغییر می‌کند [۱۵]. نزد زنان متعلق به جایگاه‌های مختلف اجتماعی، کتمان و پنهانکاری استراتژی غالبی است که در برخورد با احساس ناامنی خود در فضاهای عمومی بدان توسل می‌جویند. زنان در موقعیت‌های خطرناکی که با ترس و احساس ناامنی آمیخته است، بلافاصله و در همان لحظه ترس، تشویش و نگرانی خود را بروز نمی‌دهند و بعد از تجربه موقعیت خطرناک آن را بازگو نمی‌کنند. این دسته از مصاحبه‌شوندگان دلیل اصلی خود را از کتمان این تجارب ترس از بی‌آبرویی، طرد اجتماعی، تحقیر و سرزنش اطرافیان، اختلال در مناسبات خانوادگی، ترس از تشدید محدودیت‌ها عنوان کرده‌اند. سحر ۳۴ ساله، متأهل، با تحصیلات زیر دیپلم و خانه‌دار در پاسخ به این سؤال که درک و ارزیابی شما از احساس ناامنی خود با حضور در فضاهای عمومی چگونه است و با آن چگونه برخورد می‌کنید؟ چنین اظهار می‌دارد:

گاهی اوقات ژست یک زن شجاعی رو که اصلاً هیچی براش مهم نیست می‌گیرم؛ یعنی ترسم رو از اون تجربه پنهان می‌کنم؛ طوری که بگم نه من در خطر نیستم.

فریده ۲۲ ساله مجرد و کارمند نیز چنین می‌گوید:

زنان ممکنه همون لحظه که اذیت می‌شن پرخاش کنن، ولی نمی‌تونن از حق خودشون دفاع کنن. حتی نمی‌تونن به دوست نزدیکت بگی. خود همون دوست ممکنه من رو طرد کنه.

زهره ۲۳ ساله، مجرد، کارشناس ارشد حقوق نیز چنین می‌گوید:

اگه بخوای حقت رو بگیری مثلاً داد و بیداد کنی یا به قانون مراجعه کنی، ممکنه آبروت بریزه و از چشم خانواده، دوستان و فامیل بیفتی.

۲. گریز

آشکارترین استراتژی زنان در برخورد با موقعیت‌های ناامن و خطرناک، در اجتناب از فضایی-اجتماعی و گریز زدن، نمود می‌یابد. زنان برای رهایی از موقعیت‌های هراس‌آور تلاش می‌کنند تا مکان‌ها و زمان‌های انتخاب‌شده و امنی را برای حضور در عرصه‌های عمومی برگزینند [۱۵]. زینب ۲۵ ساله، مجرد و کارمند در این مورد می‌گوید:

وقتی از موقعیت‌هایی تجربه داشته باشیم، سعی می‌کنیم دور اون مکان‌ها یا زمان‌هایی که این تجربه‌ها درشون رخ داده خودکار قرمز بگیریم و اجتناب کنیم.

پریسا ۲۷ ساله، متأهل و خانه‌دار نیز این‌گونه به بیان تجربه خود در فضاهای عمومی می‌پردازد:

مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسه. واقعاً همین‌طوره. هرچقدر زنان از

موقعیت‌های ناامن تجربه بیشتری داشته باشن، بیشتر از اون موقعیت پرهیز می‌کنن.

زنان در مقایسه با مردان به لحاظ قدرت فیزیکی اغلب آسیب‌پذیرترند. به همین دلیل درگیری فیزیکی در موقعیت‌های خطرزا را پرهزینه‌تر تلقی می‌کنند. زنان مصاحبه‌شونده اذعان داشتند که در تعامل با موقعیت‌ها و تجارب خطرناک و ناامن نه تنها نمی‌توانند از خود دفاعی داشته باشند، بلکه سعی می‌کنند تا آنجا که ممکن است از آن موقعیت‌ها فرار کنند. در پاسخ به اینکه چرا فرار؟ برخی از مصاحبه‌شوندگان به همان کلیشه‌های جنسیتی توسل می‌جستند؛ اینکه زنان جسم ضعیف‌تری دارند و خشونت‌پذیرند و قادر به دفاع از خود نیستند. فروزان ۲۳ ساله مجرد و دانشجوی حقوق در این زمینه می‌گوید:

گاهی اوقات خواستم مقابله کنم، ولی فهمیدم خیلی هزینه‌اش بالاست. نمی‌تونم دفاع کنی چون جسم زن ضعیف‌تره و قدرت مقاومت رو نداره.

زینب، ۲۴ ساله مجرد و دانشجوی تربیت بدنی:

بارها اذیت شدم و هیچ کاری نتونستم انجام بدم. اگه واقعاً ابزاری و سلاحی مثل چاقو هم داشتم، نمی‌تونستم دفاع کنم.

بنابر آنچه گفته شد، زنان در مواجهه با موارد ناامنی در فضاهای عمومی واکنشی جز سکوت، مدارا، فرار، و خودداری ندارند. این مسئله به نوعی مؤید دربرگیرنده نبودن ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه و ضعف ساختارهای حمایتی است که به نوعی مؤید تهدیدآمیز بودن عرصه‌های عمومی برای زنان است.

آثار و پیامدهای احساس ناامنی زنان

۱. بی‌اعتمادی

بدبینی و حس انتقام و تنفر از مردان، که باعث سلب اعتماد زنان شده است، از جمله آثار و پیامدهای احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی است. از منظر زنان مصاحبه‌شده چون در فضاهای عمومی بیشتر از جانب مردان آسیب دیده‌اند، نوعی حس تنفر به مردان در آن‌ها تقویت شده است. به نظر مازلو، افرادی که در روابط اجتماعی نایمن‌اند به دیگران احساس تنفر و انزوا دارند، از اجتماع دوری می‌جویند، و دیگران را افرادی بد، شیطانی، تهدیدکننده، خطرناک، و غیرقابل اعتماد می‌بینند [۱۰]. سمیه ۲۵ ساله و دانشجوی حقوق در پاسخ به آثار و پیامدهای احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی چنین اظهار نظر می‌کند:

به نظر من اون‌هایی که از طرف مردها آسیب دیدن و نتونستن از خودشون دفاع کنن از مردها متنفر می‌شن.

مریم ۳۳ ساله، مجرد، دیپلمه و آرایشگر نیز می‌گوید:

به نظر من هیچ مردی قابل اعتماد نیست. همه مردا به زن نگاه ابزاری دارن، اون‌ها زن رو به خاطر خودشون می‌خوان.

۲. نهادینه شدن ترس (باور ترس)

درونی شدن ترس یکی از پیامدهای مهم احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی است. از منظر زنان مصاحبه‌شده، ترس و احساس ناامنی چون از کودکی و طی جریان جامعه‌پذیری آموزش داده می‌شود، به یک مکانیسم درونی دفاعی برای آن‌ها تبدیل شده است. تفاوت‌های جامعه‌پذیری برای حضور در جامعه اغلب سبب جدایی یا کناره‌گیری زنان از جامعه و پذیرش ناامنی بودن فضا و انتقال ترس شده است. آن دسته از زنانی که تجربه ناامنی داشته‌اند ترس را بیشتر باور کرده‌اند. زهرا ۲۴ ساله، مجرد و دانشجوی مدیریت در این زمینه می‌گوید:

ترسو تر می‌شی و همیشه نگرانی، حتی همین ترس من روی دخترم در آینده تأثیر می‌ذاره و یه دور تسلسل می‌شه و یه مکانیسم دفاعی می‌شه.

مینا ۳۰ ساله مجرد، بیکار با تحصیلات زیردیپلم نیز می‌گوید:

برای اون‌هایی که بهشون تجاوز می‌شه ممکنه دائم توی کابووس باشن، احساس گناه کنن یعنی ترس باور می‌شه و پذیرفته می‌شه؛ طوری که با حضور در فضاهای عمومی ذهن رو درگیر خودش می‌کنه.

۳. انزوای اجتماعی

انزوا، محدودیت و بازماندن از فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی و در نتیجه انقیاد، طرد، و به حاشیه رانده شدن زنان در فضاهای عمومی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای احساس ناامنی تلقی شده است. فریبا ۲۷ ساله، متأهل و خانه‌دار در این زمینه می‌گوید:

احساس ترس و ناامنی برای زن‌ها دست‌وپاگیره و خیلی موانع و محدودیت‌ها براشون ایجاد می‌کنه. من خیلی کارها و برنامه‌ها داشتم که انجام بدم، ولی به خاطر این احساس ترس و لشنون کردم. زنان به خاطر این احساس ناامنی نمی‌تونن خیلی از توانایی‌هاشون رو بالفعل کنن.

زهرا ۲۸ ساله، مجرد و کارشناس بهداشت محیط نیز می‌گوید:

زن توی جامعه ما آزاد نیست. به راحتی نمی‌تونه در فضاهای عمومی مشارکت کنه. توی ذهنمون رفته که تاریکی خطرناکه و اگه زن شب بیرون باشه، حتی سرکارش، بده.

محدثه ۳۳ ساله، مجرد و قالیباف:

احساس گناه، ترس، آشفتگی همه این‌ها عامل بازدارنده آرامش و پیشرفت زن در این فضاهاست و ناخواسته آدم رو منزوی می‌کنه.

هسته مرکزی: احساس ناامنی به مثابه باز نمود روابط قدرت جنسیتی

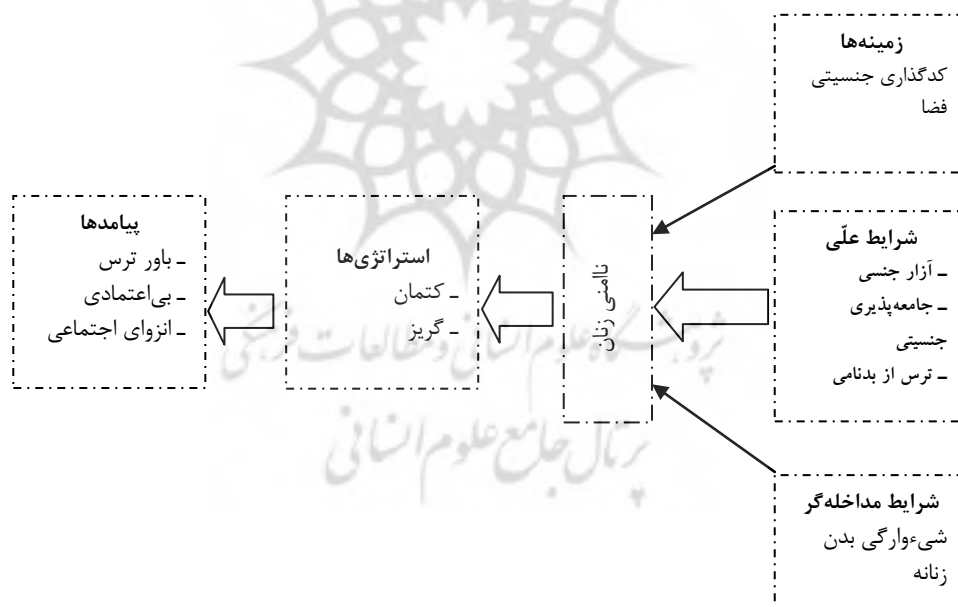
مقوله هسته این پژوهش با عنوان «احساس ناامنی به مثابه باز نمود روابط قدرت جنسیتی» بر اساس ۷ زیرمقوله شکل گرفته است. این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی، و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر رویداد آن از دل داده‌های زمینه را از طریق رجوع به مقولات محوری پی گرفت. مقوله جامعه‌پذیری جنسیتی، شیء‌وارگی زن، کدگذاری جنسیتی فضا، کتمان (پنهانکاری)، گریز و نهادینه‌شدن ترس، مطابق با دیدگاه فمینیست‌ها و کاسکلا ناشی از ساختار روابط قدرت جنسیتی در جامعه است و محدود کردن زنان در به‌کارگیری فضا وسیله‌ای برای سلطه بر آنان است. به علاوه، ترس زنان ناشی از تجاوز و مورد خشونت واقع شدن نشانه‌ای از مناسبات قدرت است. در خانه ماندن زنان، تغییر مسیر از خیابان بازنمای مناسبات قدرت زنان در فضا در مقایسه با مردان است. مردان به‌منزله تولیدکنندگان فعال فضا عمل و آن را به نفع خودشان اصلاح می‌کنند [۳۴]. از این‌رو، با توجه به مفاهیم و مقولات استنباط‌شده از یافته‌های پژوهش و دیدگاه‌های فمینیستی که ترس و احساس ناامنی زنان را در مناسبات سیاسی، اجتماعی، و قدرتی جست‌وجو می‌کنند می‌توان اظهار داشت، احساس ناامنی برای زنان در فضای عمومی جامعه احساس ناخوشایند، دردناک، و تحقیرآمیز است که مؤید و تشدیدکننده نابرابری‌های اجتماعی در روابط میان زنان و مردان است. در این میان، شرایط جامعه‌پذیری خاص و موقعیت‌های از پیش تعریف شده فرودستی برای زنان، آنان را مستعد احساس ناامنی بیشتر در برابر مردان می‌کند [۱۴، ص ۳۳۵]. همچنین، در ارتباط با مقوله «کدگذاری جنسیتی فضا» طبق نظر تانکیس عمومی‌ترین ترس زنان در فضا ناشی از ترس از خطرهای احتمالی از سوی مردان است و نکته مهم ماهیت جنسیتی احساس زنان از خطر است. نگاه خیره مردان به زنان به مثابه ابژه‌های بصری در این فضاها و تلاش زنان در جهت جذب بیشتر این نگاه، که احساس ناامنی آن‌ها را در پی دارد و در مواجهه با آن رفتارهای کناره‌گیرانه نشان می‌دهند، همه و همه، باز نمود روابط قدرت جنسیتی حاکم بر این فضاهاست.

نظریه مبنايي پژوهش

در این بخش، در پی آنیم با شرح کامل مدل پارادایمی، خط داستان برآمده از داده‌های پژوهش را مشخص کنیم. این خط داستانی که با محوریت مقوله هسته، یعنی «احساس ناامنی به مثابه

بازنمود روابط قدرت جنسیتی» پدید آمده، براساس پارادایم سه‌بخشی شرایط، کنش-کنش متقابل و پیامدها در قالب یک مدل پارادایمی (تصویر ۱) ترسیم شده است. براساس مدل پارادایمی، می‌توان گفت احساس ناامنی زنان تحت تأثیر شرایط خاصی بوده است. این شرایط در سه دسته علی، زمینه‌ای، و مداخله‌گر طبقه‌بندی شده است. شرایط علی عبارت‌اند از: آزار جنسی، ترس از بدنامی، و جامعه‌پذیری جنسیتی. در این میان، کدگذاری جنسیتی فضا به‌مثابه زمینه و شیء‌وارگی زن به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل می‌کنند. زنان در مواجهه با احساس ناامنی خود، تعاملات خاصی را انجام می‌دهند و استراتژی‌های خاصی را اتخاذ می‌کنند. کنش‌ها و واکنش‌های مذکور را می‌توان در قالب کتمان و گریز دسته‌بندی کرد.

احساس ناامنی از دیدگاه زنان پیامدها و نتایج دارد که می‌توان پیامدهای مذکور را در چند مقوله دسته‌بندی کرد: باور ترس، بی‌اعتمادی، و انزوای اجتماعی. آثار و پیامدهای ذکرشده از احساس ناامنی هر یک به‌تنهایی می‌توانند عوامل و زمینه‌های تقویت‌کننده ترس و احساس ناامنی زنان شوند یا به بازتولید احساس ناامنی زنان کمک کنند. آنچه در یک برهه از زمان پیامد کنش/کنش متقابل به شمار می‌رود ممکن است در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود [۳، ص ۱۰۸].



تصویر ۱. مدل زمینه‌ای درک زنان از شرایط، تعاملات، و پیامدهای احساس ناامنی

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، که به دنبال کشف و بررسی دلالت‌های ذهنی و معنایی زنان از احساس ناامنی خود در فضاهای عمومی است، بیانگر آن است که زنان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل اثرات ناامنی فضاهای عمومی به‌شمار می‌روند. این هدف با استفاده از روش‌شناسی کیفی و ابزار نظریه‌ی زمینه‌ای، نظریه‌ای موقعیتی، خاص، استقرایی، و تفریدی از درک مشارکت‌کنندگان به دست داده شد. این نظریه در واقع بازتاب ارزیابی و فهم مشارکت‌کنندگان از احساس ناامنی خود در فضاهای عمومی است. یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که ملاحظات کلان‌تری از قبیل ساختار جامعه‌ی مردسالارانه و روابط قدرت جنسیتی بر سر عوامل و زمینه‌ها، راهبردها و پیامدهای احساس ناامنی سایه افکنده است. یافته‌های مطالعات تجربی صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۸۸) نیز مؤید آن است که مزاحمت‌ها و تعرض جنسی در فضاهای عمومی، تقویت‌کننده‌ی سلطه‌ی مردان بر فضا و پیامد موقعیت نابرابر زنان است. بنابراین، محدودیت‌های فضایی در زندگی زنان بازتابی از روابط قدرت جنسیتی است و فضاهای عمومی به واسطه‌ی همین روابط جنسیتی تولید و بازتولید می‌شود.

«مسئله‌ی تجاوز و احتمال مورد خشونت واقع شدن، مسئله‌ای است که آن‌قدر در ذهنیت زنان پررنگ و تأثیرگذار است که ناتوانی زنان برای بهره‌گیری و مصرف آزادانه‌ی فضاهای عمومی نه به‌عنوان محدودیتی اجباری، بلکه به‌مثابه‌ی شرایطی طبیعی پذیرفته می‌شود و در اغلب موارد مقاومت‌ها در مقابل آن رنگ می‌بازند و زنان به ناچار یا ناخودآگاه، ناگزیر از تن دادن به قواعد بازی مردانه و رعایت پاره‌ای هنجارهای محدودیت‌آفرین هستند [۲، ص ۱۰۲].»

زنان مصاحبه‌شده با قرار گرفتن در شرایط ناامنی، راهبردهایی را اختیار می‌کنند که در ذیل راهبردهای کتمان، گریز، سکوت، و مدارا تفکیک‌پذیر است. نکته‌ی درخور توجه در این میان، ماهیت فردی و شخصی استراتژی‌های به‌کارگرفته از سوی زنان است. استراتژی‌ها و راهکارهایی که زنان برای غلبه بر موقعیت‌های خطرزا در پیش می‌گیرند، بیشتر تحت‌تأثیر قالب‌های اجتماعی قابل تبیین است و زنان کمتر به راه‌حل‌های ساختاری می‌اندیشند [۱۵]. زیرا ترس از دست دادن ارزش‌هایی که زنان با آن‌ها تعریف می‌شوند به حدی بر آن‌ها قدرت دارد و آن را باور کرده‌اند، همچون یک اسطوره، که وقتی پای آن در میان است زنان حتی از حق خود می‌گذرند. زنان درگیر با احساس ترس و ناامنی در خود احساس اضطراب، نگرانی، بی‌اعتمادی و طرد و انزوای اجتماعی می‌کنند و به‌زعم گیدنز دچار نوعی مرگ درونی در خود می‌شوند [۲۵]. این تجربه، ضمن افزایش وابستگی زنان، فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی زنان را کاهش می‌دهد و نگاه کلیشه‌ای به زنان به‌منزله‌ی جنس ضعیف و ناتوان را بازتولید می‌کند. با وجود تفاوت در نوع و شدت تجربه‌ی ناامنی در نزد زنان متعلق به قشرهای مختلف اجتماعی، زنان به انحاء مختلف در جوامع مختلف مورد تعرض قرار می‌گیرند.

این پدیده عمدتاً جمعی مبین وضعیتی است که مناسبات قدرت و بی‌قدرتی زنان متعلق به جایگاه‌های مختلف اجتماعی را به نمایش می‌گذارد [۱۵]. از منظر جامعه‌شناسان فمینیست لیبرال، آنچه موجب نامرئی شدن این تجربه تلخ و تداوم آن شده است، حضور فراگیر ایدئولوژی جنسیت است که اعمال تبعیض‌آمیز جهان روزمره را مخفی می‌کند. ایدئولوژی مذکور زندگی روزمره را به قلمروهای جدا و جنسیت‌یافته تفکیک و تقسیم کرده است: قلمرو عمومی که مردان دسترسی ممتازی به آن دارند و قلمرو خصوصی که متعلق به زنان است [۱۳، ص ۳۴۴]. نقد و واکاوی این مرزبندی‌ها و اعمال مسلم گرفته شده نابرابری و حذف جنسیت به‌مثابه بنیان سازمان‌دهنده و تفکیک جهان روزمره در خشونت‌زدایی از عرصه‌های عمومی اثرگذار است.

منابع

- [۱] آبوت، پاملا؛ والاس، کلا (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- [۲] ابادری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، *پژوهش زنان*، ش ۱، ص ۷۵-۱۰۳.
- [۳] استراس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۴] احمدی، یعقوب؛ اسماعیلی، عطاء (۱۳۸۹). «سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان‌رشته‌ای در شهر مشهد»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۲، ص ۱۶۹-۱۹۰.
- [۵] بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام (۱۳۸۷). «امنیت تردد زنان در فضاهای شهری و سنجش مشارکتی آن‌ها در بخش مرکزی شهر تهران»، *مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان*، ش ۴، ص ۳۹-۵۶.
- [۶] بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام (۱۳۸۸). «سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری (مورد: محدوده اطراف پارک شهر تهران)»، *پژوهش زنان*، ش ۳، ص ۴۹-۶۷.
- [۷] بیات، بهرام (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.
- [۸] تانکیس، فرن (۱۳۸۸). *فضا، شهر، و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری*، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- [۹] حامدی، راضیه؛ نعیمی، محمدرضا (۱۳۸۹). «زنان و اجتماع ایمن»، *پلیس زن*، ش ۱۲، ص ۱۵۰-۱۶۹.
- [۱۰] دلاور، علی؛ احمدوند، علی‌محمد؛ رضایی، علی محمد (۱۳۸۷). «ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس امنیت تهران»، *امنیت*، ش ۴، ص ۱۵۴-۱۸۶.

- [۱۱] زنجانی‌زاده اعزازی، هما (۱۳۸۰). «زنان و امنیت شهری»، *ادبیات و علوم انسانی*، ش ۳ و ۴، ص ۲۵-۳.
- [۱۲] ریتزر، جورج (۱۳۷۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۱۳] ریتزر، جورج (۱۳۹۲). *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ثالث.
- [۱۴] سگالن، مارتین (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: مرکز.
- [۱۵] صادقی فسایی سهیلا؛ میرحسینی، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۳۶، ص ۱۲۵-۱۵۲.
- [۱۶] صادقی فسایی سهیلا؛ لاریجانی، مهسا (۱۳۹۲). «آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، ش ۲، ص ۸۷-۱۱۱.
- [۱۷] ضابطیان، الهام؛ بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۹). «بررسی الگوی برنامه‌ریزی کاربری فضاهای شهری مؤثر بر افزایش امنیت زنان (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۴۸، ص ۱۰۹-۱۴۷.
- [۱۸] عرشی‌ها، مریم؛ مدیری، آتوسا (۱۳۹۰). «تأثیر فضای جنسیتی‌شده بر احساس امنیت زنان (میدان مادر و راه آهن)»، *پژوهش اجتماعی*، ش ۱۳، ص ۱۲۰-۱۴۲.
- [۱۹] علیخواه، فردین؛ ربیعی، مریم (۱۳۸۵). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۲، ص ۱۰۹-۱۳۱.
- [۲۰] قادرزاده، امید (۱۳۹۰). «تأثیر اشکال مختلف سرمایه بر هویت جمعی زنان»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۳، ص ۳۵-۶۵.
- [۲۱] قادرزاده، امید؛ خالق‌پناه، کمال؛ خزایی، سارا (۱۳۹۳). «تحلیل تجربه‌های زنانه از جراحی زیبایی (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای جراحی زیبایی)»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۱، ص ۱-۲۰.
- [۲۲] گافمن، اروینگ (۱۳۹۲). *داغ ننگ؛ چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: مرکز.
- [۲۳] گلی، علی (۱۳۹۰). «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهر (مورد: پارک آزادی شیراز)»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، ش ۲، ص ۱۴۴-۱۶۵.
- [۲۴] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۲۵] _____ (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- [۲۶] مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۲، ص ۱۱-۲۸.

- [۲۷] مدنی پور، علی (۱۳۸۴). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی- مکانی*، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- [۲۸] مستوفی، اکرم (۱۳۹۲). «بررسی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت در زنان شهر تهران»، فصلنامه مطالعات پلیس زن، ش ۱۹، ص ۷۷-۵۶.
- [۲۹] نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی جنسیت*، میراث فرهنگی، تهران: افکار.
- [۳۰] نوروزی، فیض‌الله؛ فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، فصلنامه راهبرد، ش ۵۳، ص ۱۲۹-۱۵۹.
- [۳۱] نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، *مطالعات راهبردی*، ش ۱۹، ص ۶۵-۱۴.
- [۳۲] هومین فر، الهام (۱۳۸۲). «تحول جامعه‌پذیری جنسیتی»، *پژوهش زنان*، ش ۷، ص ۱۱۳-۸۹.
- [33] Fuss, D (1989). *Essentially Speaking: Feminism, Nature and Difference*, London: Routledge.
- [34] Koskela, H. (1997). Bold walks and breaking: women's spatial confidence versus fear of violence, *Gender, place and culture* 4(3): pp 301-319.
- [35] Moller, Bjorn. (2000). *National, Societal and Human Security Discussion*, Israel, Palestine conflict.
- [36] Pain, R. (1995). *Social Geographies of Woman Fear of Crime*, Division of Geography and Environmental Management, University Northumbria Newcastle, pp 236.
- [37] Rendell, J. (2000). Introduction: Gender, Space, In *Gender space architecture an interdisciplinary introduction*, London and New York, Routledge, p 101.